

بررسی چگونگی تأسیس و توسعه تلگراف‌خانه‌های لرستان در عهد ناصری

روح الله بهرامی*، شهاب شهیدانی

دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه رازی؛ استادیار گروه تاریخ، دانشگاه لرستان

تاریخ دریافت: (۱۳۹۶/۰۵/۳۱) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۷/۰۲/۳۱)

The Analysis of the Formation and Expansion of Telegraph Offices in Lorestan in the Naseri Era

Rohollah Bahrami, Shahab Shahidani

Associate Professor at History Department, Razi University; Assistant Professor, Lorestan University

Received: (2017. 08. 22)

Accepted: (2018. 05. 21)

Abstract

The time of Naser al-Din Shah's rule is the beginning of important developments in Iranian history and the expansion of communication with European countries and the exploitation of Western technical and technological patterns. One of these tools was the telegraph and their specific buildings telegraph offices. This led to the formation of a new type of historical documents. These documents opened a new chapter in the history of contemporary history, in particular local history, including the recording local reports of local reports with new forms of modern communication. Based on this, the present study, based on the texts, historical documents and manuscripts, using a descriptive-analytical method, is to answer the following questions: How was the process of establishing and developing telegraph offices in Lorestan during the Naseri era? And how did the development of telegraph lines affect the process of Naserid political focus? The findings of the research have shown that Lorestan with a mountainous nature and inhabitants of Iliyat, has been one of the most unsettled countries and provinces of Iran until the Naseri time, and the control and influence of central power in it was very unstable and in this situation, the development of telegraph lines could have made a major change in the availability of central power to the region and its security in the Naseri era. The role of the telegraph as a communication and awareness tool was soon revealed for Naser al-Din Shah, agents and governors of the provinces in the Lorestan region. In addition, the telegraph on the formation and production of historical awareness and documents in the oral and nomadic society of Lorestan has provided important resources and documents that are of great importance.

Keywords: Naseri era, Lorestan, Telegraph, Mirza Ali Asghar Telegraphchi, Abdollah Mirza Heshmatoddolleh.

چکیده

در عصر ناصرالدین شاه قاجار، بهره‌برداری از الگوهای فنی و تکنولوژیک نوین غرب مورد توجه شخص شاه و کارگزاران سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران واقع گردید. یکی از این ابزارهای نوین، تلگراف و تأسیس تلگراف‌خانه‌ها بود که به شکل‌گیری نوع جدیدی از اسناد تاریخی، یعنی اسناد تلگرافی، منجر شد که شامل ثبت و ضبط گزارش‌های محلی با اشکال جدید و شیوه ارتباطات نوین بود و فصل جدیدی را در روند مطالعات تاریخ معاصر، به‌ویژه تاریخ محلی، گشود. پژوهش حاضر با تکیه بر متون، اسناد تاریخی و نسخ خطی با روش توصیفی-تحلیلی، به دنبال پاسخ به این مسائل است که فرآیند تأسیس و توسعه تلگراف‌خانه‌ها در لرستان عهد ناصری چگونه بوده است؟ و تأسیس و توسعه خطوط تلگراف چه تأثیر در روند سیاست تمرکزگرایی عهد ناصری گذاشت؟ یافته‌های پژوهش نشان داده است که لرستان با طبیعتی کوهستانی و ساکنانی ایلیاتی از ناآرام‌ترین ولایات ایران تا عهد ناصری بوده است که نفوذ قدرت مرکزی در آن بسیار ناپایدار بود. در عین حال لرستان، از مناطق استراتژیک در مسیر خوزستان به تهران و حلقه ارتباط مهمی، میان مناطق و نواحی غرب ایران به شمار می‌آمد. با این شرایط، توسعه خطوط تلگراف تحولات مهم در دسترسی قدرت مرکزی به منطقه و تأمین امنیت آن در عهد ناصری ایجاد نمود. همچنین تلگراف در شکل‌گیری و تولید آگاهی و اسناد تاریخی در جامعه شفاهی و عشایری لرستان منابع و اسناد مهمی را پدید آورد که بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: عصر ناصری، لرستان، تلگراف، میرزا علی اصغرخان تلگرافچی، عبدالله میرزا حشمت‌الدوله.

۱. مقدمه

خط تلگراف در سال ۱۲۷۴ق/ ۱۸۵۷م، برای اولین بار در تهران کشیده شد و بعد از آن به تدریج به رشت، تبریز، اصفهان، همدان، شیراز، مشهد، لرستان و سایر شهرها گسترش یافت. تأسیس خطوط سیم و تلگراف، یکی از ابزارهای بسیار مؤثر در ایجاد تغییرات در روند تحولات تاریخ سیاسی و اجتماعی جامعه ایران محسوب می‌شود؛ در واقع تلگراف و تأسیس تلگراف‌خانه‌ها در مناطقی از ممالک محروسه عهد ناصری، از مظاهر نوینی بود که به عنوان ابزاری مدرن برای اعمال قدرت و سیاست از سوی استعمار خارجی و استبداد حکومت مرکزی مورد توجه قرار گرفته بود. این ابزار در گام نخست، به عنوان یک رسانه ارتباطی، به منظور کسب اخبار، اطلاعات و مخابره آگاهی‌های مورد نیاز دول اروپایی در قلمروهای مستعمراتی بود تا از این طریق، با استفاده از ابزار تکنولوژی و دانش اخبار و آگاهی، زمینه دستیابی به قدرت و ثروت در ممالک مستعمراتی را به دست آورند.

حضور قدرت‌های بزرگ اروپایی و توسعه نفوذ آنها در ایران عهد قاجار و ضرورت توجه به تأمین ارتباط بین مستعمرات و استعمارگران در متروپل‌های تمدنی جدید و دریافت و ارسال آگاهی و اخبار، به‌عنوان پشتوانه اقدامات سیاسی و تأمین منافع اقتصادی، تلگراف را به‌عنوان یکی از ابزارهای بسیار نیرومند و مؤثر در خدمت دول استعمارگر درآورد تا از طریق آن، ضمن تسهیل ارتباطات و اخبار، کنترل سیاسی و امنیتی بسیاری از مراکز مستعمراتی را برای خویش تسهیل نمایند. این ابزار، اگرچه حاصل دانش فنی قدرت‌های استعماری و نظام

بورژوازی تجاری حاکم بر حیات اقتصادی آنها بود، اما برای دولت‌ها و ملل تحت استعمار، نوعی ره‌آورد فنی و تکنولوژیکی بود که به عنوان ابزاری مهم توانست در حیات سیاسی، نظامی و مدیریت کسب اخبار، نقش مهمی را در جوامع سنتی ایجاد کند. حکومت قاجار و شخص ناصرالدین شاه، با تأسیس مراکز و خطوط تلگراف و بهره‌برداری‌های لازم از این ابزار و تکنولوژی نوین، درصدد افزایش تمرکزگرایی و سیادت بر مناطق تمرکز گریز بودند.

پیدایش و رواج مظاهر نوین تمدنی، از جمله خطوط تلگراف در خارج از پایتخت قاجار و در نواحی دور افتاده، کمتر مورد پژوهش قرار گرفته است. با توجه به قلت منابع مکتوب تاریخی و ویژگی‌های زندگی ایلی و عشایری در لرستان، از چگونگی تأسیس و روند توسعه تلگراف‌خانه‌های لرستان در عهد ناصری، پژوهش‌های مکفی وجود ندارد و از این منظر، پژوهش حاضر در زمره نخستین تحقیقات تاریخ محلی لرستان است. لذا در این مقاله تلاش می‌شود تا وضعیت تلگراف‌خانه و چگونگی توسعه و تحول آن در لرستان عهد ناصری بررسی شود و از این طریق فرآیند تأسیس تلگراف‌خانه‌ها، پست‌های تلگرافی، ساختار و تشکیلات تلگراف‌خانه، ایجاد خطوط تلگراف و اوضاع تلگراف‌خانه‌های متعددی که در لرستان تأسیس شد را بررسی نماید.

۲. شکل‌گیری اسناد تلگرافی در عهد ناصری

دوره فرمانروایی ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق)، از حیث شکل‌گیری منابع تاریخی و جغرافیایی، یکی از دوره‌های مهم و تأثیرگذار تاریخ

رشیدالدین فضل‌الله همدانی در عهد ایلخانان، رسالت بزرگی در تشویق کارگزاران حکومتی، نویسندگان و مورخان در گردآوری اطلاعات تاریخی و جغرافیایی داشته و شخصاً به این امر اهتمام فراوان کرده است. به نظر می‌رسد اطلاعات بسیاری که او در آثار خود گردآوری نموده حاصل همان تشویق‌هایی است که از کارگزاران حکومتی و مطلعان بومی و محلی هر منطقه‌ای عمل آورده و اطلاعات عمیقی از مناطق مختلف ایران را در اختیار او قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد کتاب‌هایی نظیر جغرافیای دو جلدی اعتمادالسلطنه، نام نامه‌های شهرها و مناطق مختلف، کتاب جغرافیای عراق عجم یا کتاب‌های تاریخی او حاصل چنین تکاپویی بوده است. غیر از اعتمادالسلطنه، بسیاری دیگر از رجال سیاسی و کارگزاران حکومتی نیز خود به همین نحو، مصدر خدمات شده‌اند و از جمله این خدمات، ارسال گزارش‌های مختلف برای شخص شاه و فراهم آوردن اطلاعات تاریخی - جغرافیایی شرح مناطق مختلف و اوضاع کلی طبیعی و انسانی ایالات و ولایات مختلف بوده است که ناصرالدین شاه نیز علاقه ویژه‌ای به گردآوری این اطلاعات داشته است. لرستان نیز با وجود نابسامانی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که در عهد قاجار در این خطه حکم فرما شد، از این منظر مد نظر قرار گرفت. گاهی برخی از کارگزاران حکومتی و سیاسی که مأمور حکومت یا مسئول بررسی وضعیت راه‌ها و مناطق بوده‌اند، اطلاعاتی درباره لرستان به عرض شخص ناصرالدین شاه رسانده‌اند که شامل اسناد تاریخی فرمانروایان قاجاری و گزارش‌های حکام و کارگزاران درباره

ایران محسوب می‌شود. وجود شخصیت‌های بزرگ و نامداری چون امیرکبیر، اعتمادالسلطنه و دیگر روشنفکران و کارگزاران و حتی شخص ناصرالدین شاه که علاقه‌مندی ویژه‌ای به گشت و گذار در چهار گوشه کشور و خارج از ایران داشت، دربار دوره ناصری را مکانی پرتکاپو و محلی برای رفت و آمد سفرا، سیاحان، مورخان، جغرافی‌نگاران و گزارشگران درآورده بود. خصایص شخصیتی ناصرالدین شاه و تمایل وی به قدرت متمرکز سیاسی، موجب شد که مانند هر حکومت تمرکزگرا، تلاش کند قدرت خود را در عرصه‌های مختلف تثبیت و به معرض نمایش درآورد در عین حال این موضوع، عامل مهمی در رشد و شکوفایی نظام ارتباطی ایران نیز بوده است. در این دوره کارگزاران، عناصر و عوامل حکومتی، وزراء، علما و متفکران هر یک به قدر همت خویش به منظور نزدیکی و خدمتگزاری در دربار شاه که خود را قبله عالم می‌دانست، تلاش می‌نمودند خود را به قدرت قاهره دربار نشان دهند و مراتب خدمتگزاری و انجام وظیفه را از طرق مختلف به عرض شاه برسانند. به نظر می‌رسد این قبیل گزارش‌های سیاسی در هیچ دوره‌ای از حکومت قاجاریه، مانند دوره ناصری فراوان و متعدد نباشد.

اقدامات شخص اعتمادالسلطنه در دربار ناصرالدین شاه در گردآوری گزارش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی و نظامی در گوشه و کنار مملکت و از ایالات و ولایات مختلف، از جمله کارهایی است که در این دوره صورت گرفته است. اعتمادالسلطنه از وزراء و کارگزاران پُرکار عهد ناصری و دوره قاجاریه است و همانند

نگاشته شده است (قراگوزلو، ۱۳۸۲: ۱-۱۲). منبع دیگر، یادداشت‌های میرزا علی اصغر خان تلگرافچی درباره وضعیت لرستان و اوضاع تلگرافخانه خرم‌آباد در دوره حکومت عبدالله میرزا حشمت‌الدوله است که مفصل‌تر و مشروح‌تر از منابع قبلی است. یادداشت‌های میرزا علی اصغر خان از این نظر که یادداشت یک تلگرافچی درباره خرم‌آباد و تلگرافخانه و مسائل آن است، بسیار حائز اهمیت می‌باشد. به‌طور کلی در عهد ناصری، شکل‌گیری اسناد و مدارک تلگرافی رقم خورد. این‌گونه اسناد و مدارک تاریخی برای نواحی و مناطقی نظیر لرستان که جامعه عشایری آن با غلبه فرهنگ شفاهی است، دارای اهمیت بیشتری است چرا که از یک سو فاقد تاریخ‌نگاری محلی است و از سوی دیگر اسناد و مدارک مکتوب کمتری پدید آمده است و لذا تأسیس تلگرافخانه‌ها و تهیه گزارش‌های تلگرافی و ظهور این‌گونه اسناد و مدارک و توسعه آنها در این دوره، برای تاریخ لرستان اهمیت بسیاری دارد.

تأسیس پست‌های تلگرافخانه و ارسال اخبار مراکز و کانون‌های مهم ولایت لرستان از سوی حکام و کارگزاران و رؤسای ایلات و عشایر و خوانین و بزرگان، این امکان را فراهم ساخت تا اخبار اطلاعات تازه‌تری درباره لرستان شکل بگیرد و اخبار تحولات و وقایع بومی و ارتباطات میان حکومت محلی و مرکزی، به‌طور گسترده‌تری در این منطقه تبادل شود. این امر در سیاست منطقه، قدرت، اعمال نظارت و وصول مالیات و آگاهی از حیات اجتماعی ایلات و عشایر لرستان و تحولات آن مؤثر افتاد. علاوه بر اسناد و مدارک تلگرافی در لرستان،

حوادث لرستان در عهد ناصری است، از جمله گزارش‌هایی در باب اوضاع و احوال جغرافیایی طبیعی و تاریخی، وضع طوایف و ایلات لرستان، اوضاع راه‌ها و خطوط ارتباطی آن با ولایات دیگر به‌ویژه ولایت خوزستان که پیوستگی و ارتباط بسیار تنگاتنگی با لرستان داشته است. بسیاری از گزارشگران، سیاحان، سفرنامه‌نویسان و جغرافی‌نویسان هنگامی که مطالبی درباره این ولایات نوشته‌اند، حتی در عنوان رساله‌ها، کتب و گزارش‌های خود، لرستان و خوزستان را در پیوندی تنگاتنگ با یکدیگر گزارش کرده‌اند. چنین گزارش‌هایی از سوی کارگزاران دوره ناصری، منابع ارزشمند و مفیدی را برای شناخت اوضاع جغرافیایی و تاریخی لرستان در عهد قاجاریه، به‌ویژه در دوره ناصرالدین‌شاه، فراهم آورده است. در حقیقت، روشن شدن بخش اعظمی از اوضاع طبیعی، اجتماعی و تاریخی لرستان، از اواخر دوره زندگی و اوایل دوره قاجاریه تا عهد ناصرالدین‌شاه، مدیون گزارشگران، سیاحان و سفرنامه‌نویسان عهد ناصری است. از جمله منابع ارزشمندی که در عهد ناصری درباره اوضاع طبیعی و اجتماعی لرستان نگاشته شد، می‌توان به کتاب *جغرافیای لرستان*، از مؤلفی ناشناس، اشاره کرد (جغرافیایی لرستان پیشکوه و پشتکوه، ۱۳۷۰). کتاب *سفرنامه لرستان و خوزستان* حسنعلی خان افشار ارومی، از پیشخدمت‌های خاصه ناصرالدین‌شاه قاجار و از کارگزاران محلی و مورد وثوق و اطمینان وی است (افشار ارومی، ۱۳۸۲) و کتابچه گزارش وضع *راه لرستان*، از حاجی عبدالله خان قراگوزلو، معروف به امیرنظام همدانی، گزارشی مختصر به ضمیمه کتابچه خوزستان

جهان آن روز که دانش و قدرت دو روی سکه آنها بود، به‌منظور برتری‌جویی و کسب منابع اقتصادی و سیاسی بیشتر، نیازمند گردآوری اخبار و اطلاعات و انتقال سریع آنها برای تصمیم‌گیری در امور سیاسی و اقتصادی در مستعمرات خود بودند؛ بنابراین تأسیس تلگراف‌خانه و ایجاد خطوط تلگرافی از نخستین اقداماتی بود که این قدرت‌ها در صدد ایجاد آن بودند تا زمینه‌های حضور و نفوذ خود را بهتر و بیشتر فراهم سازند و در مواقع ضروری از این امکانات بهره‌گیرند. اصولاً یکی از نخستین امتیازاتی که کشورهای غربی و استعمارگران از ملل تحت سلطه و مستعمره و قلمروهای ملل شرقی حاصل کردند، امتیاز خطوط تلگرافی بود. این نکته هم بود که از رهگذر ایجاد این خطوط تلگرافی، بهره‌ای ناخواسته به ملل شرقی و تحت سلطه می‌رسید و ورود فناوری و تکنولوژی غربی، آنها را نیز در مسیر توسعه قرار می‌داد (حائری، ۱۳۸۰: ۱۵-۲۰).

نقش تلگراف در حوزه‌های کلان تاریخ ایران نیز قابل تأمل است و اگرچه خود موضوعی جداگانه محسوب می‌شود اما دست‌کم تلگراف سیر حوادث نخستین جنبش‌های معاصر ایران از جمله جنبش تنباکو و زمینه‌سازی برای مشروطیت و حوادث پس از آن را تسریع بخشید. به وسیله تلگراف، اعتراض‌های جنبش تنباکو به شهرهای مختلف ایران گسترش یافت و حکومت ناصری تحت فشار قرار گرفت تا امتیاز تنباکو را لغو نماید و این جنبش، پیش‌زمینه‌ای برای انقلاب مشروطیت شد که باز هم تلگراف نقش بسزایی برای همه گروه‌های مشروطه‌خواه یا مخالفان آن ایفا نمود. بنا به نوشته اعتمادالسلطنه، بارها اهالی تبریز، تلگراف‌هایی برای

مسئولین تلگراف‌خانه‌ها هم خود منشاء اخبار و اطلاعات تاریخی شده‌اند. با این اتفاق در لرستان، مجموعه قابل ملاحظه‌ای از اسناد و مدارک تلگرافی شکل گرفت که از مهم‌ترین این مجموعه‌ها، تلگراف‌های شاهزاده عبدالله‌میرزا حشمت‌الدوله از لرستان به حکومت مرکزی و از جمله به شخص ناصرالدین‌شاه و گزارش‌ها و مکاتبات تلگرافی سایر کارگزاران حکومتی قاجار در این دوره است. مخصوصاً خاطرات میرزا علی‌اصغرخان تلگرافچی خرم‌آباد نمونه منحصر به فردی از خاطرات یک رئیس تلگراف‌خانه و حاوی یادداشت‌های روزانه و تاریخچه مأموریت میرزا علی‌اصغرخان است که به خط خودش، در سنه ۱۳۱۱ق نگاشته شده است. این منبع شامل جزئیات و مطالب مفید و جالبی از جریان زندگی و اوضاع اداری و اجتماعی خرم‌آباد در آن ایام است که در هیچ منبعی و مأخذی نیامده است. این خاطرات و یادداشت‌ها، اطلاعات ارزشمندی درباره وضع تلگراف‌خانه‌های خرم‌آباد دارد که در راستای اهداف این مقاله ارزشمند بوده است.

۳. زمینه‌های ورود سیم و تلگراف به لرستان

بررسی چگونگی ورود تلگراف و تأسیس تلگراف‌خانه در ایران، خود موضوع جداگانه‌ای است که از دایره پژوهش حاضر خارج است اما به‌درستی می‌دانیم که ایجاد خطوط تلگراف و تلگراف‌خانه در ایران، محصول اثربخشی جامعه نوین غرب و حضور استعماری در میان ملل مشرق بود و تلگراف و تلگراف‌خانه از مهم‌ترین مظاهر جامعه مدرن غرب بود که وارد سرزمین‌های شرقی و مستعمرات آنها شد، چراکه قدرت‌های برتر

و امتحان این ارتباط به وسیله یک مستشار توپخانه، به نام کریشیش صورت گرفت. البته در این امر شاهزاده قاجاری، علیقلی خان اعتضادالسلطنه، او را مساعدت و همیاری کرد. در نتیجه این اقدامات، بین باغ سلطنتی و باغ لاله‌زار ارتباط تلگرافی برقرار شد و سپس به دستور شاه، قرار شد ارتباطات تلگرافی به صورت جدی بین ارگ شاهی و باغ لاله‌زار برقرار شود. میرزا تقی‌خان امیرکبیر و ناصرالدین‌شاه، پس از انجام این اقدامات، به تشویق مستشار مذکور و اعتضادالسلطنه پرداختند و سپس، به دلیل علاقه‌مندی شاه به گسترش تلگراف، دستور داده شد بین تهران و سلطانیه زنجان که بیلاق شاهی بود، خط تلگراف برقرار شود. علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه و علیقلی خان مخبرالدوله متصدی این امر بودند و خط تلگراف زنجان و تهران در سال ۱۲۷۵ق/ ۱۸۵۸م راه‌اندازی شد. سپس سیستم تلگراف از آنجا به سوی تبریز، به عنوان مقر ولایتعهدی امتداد پیدا کرد. این کار به همت علیقلی‌میرزا اعتضادالسلطنه صورت گرفت. مهر تلگراف خانه اصفهان نیز تاریخ تأسیس آن را در سال ۱۲۷۵ق/ ۱۸۵۸م، یعنی یک سال پس از تأسیس تلگراف در تهران، نشان می‌دهد.

سال ۱۲۷۶ق/ ۱۸۵۹م هم‌زمان با این اقدام، سیستم تلگراف دیگری از تهران به شمیران کشیده شد. در سال ۱۲۷۹ق/ ۱۸۶۲م، گیلان نیز صاحب خط تلگراف شد و پس از آن تلگراف به سوی استرآباد امتداد پیدا کرد (۱۲۸۱ق/ ۱۸۶۴م) و در سال ۱۲۹۳ق/ ۱۸۷۶م به مشهد امتداد یافت و در سال ۱۲۹۵ق/ ۱۸۷۸م به خوزستان و سپس در سال ۱۲۹۶ق/ ۱۸۷۹م به یزد و کرمان رسید. توسعه تلگراف به سوی شرق و جنوب ایران، تحت نفوذ

نواحی مختلف و جهت آگاهی و مقابله با امتیاز توتون و تنباکو ارسال کردند، از جمله تلگراف تهدیدآمیزی به سفارت‌های انگلیس و روس و عثمانی فرستاده شد که مضمون آنها به یک شکل بود:

ما اهالی تبریز روز عاشورا تمام فرنگی‌ها و عیسویان را که در تبریز هستند قتل خواهیم کرد. از حالا به شما اطلاع می‌دهیم. دانسته باشید که تغییر، به جهت عمل تنباکو و اینکه شاه مملکت خودش را به فرنگی‌ها فروخته است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹: ۷۶۵).

خود ناصرالدین‌شاه هم از طریق تلگراف سعی در آرامش علما و روحانیون داشت؛ از جمله تلگراف‌هایی برای مرحوم میرزای شیرازی فرستاد (نجفی - جعفریان، ۱۳۷۳: ۲/ ۱۷۸-۱۸۱). ناگفته نماند که نخستین تلاش‌ها برای برقراری خطوط تلگراف در ایران، از رهگذر آشنایی ایرانیان با اختراعات و اکتشافات مغرب زمین، به وسیله مستشاران خارجی و رفت و آمد روشنفکران و رجال ایرانی به اروپا بوده که آنها را با برخی از عناصر و ابزارهای پیشرفته ارتباطی آشنا ساخت. نخستین اقدام آزمایشی برای برقراری تلگراف در ایران، به وسیله میرزا ملکم خان صورت گرفت. او پس از تحصیل در اروپا، دستگامی را با خود به ایران آورده بود که مورد توجه ناصرالدین‌شاه جوان واقع شد و توانست در یک اقدام آزمایشی بین مدرسه دارالفنون و دربار شاه در کاخ گلستان ارتباط برقرار کند.

پس از این، آزمایش دیگری در شعبان ۱۲۷۴ق/ ۱۸۵۷م صورت گرفت که به برقراری ارتباط با مدرسه دارالفنون منجر شد (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۲ شعبان ۱۲۷۴، ش ۷۲، ص ۱) تدارک مقدمات برقراری

متصل بوده است، می‌توان برقراری تلگراف در لرستان را بین سال‌های ۱۲۹۰-۱۲۹۵ق/ ۱۸۷۳-۱۸۷۸م دانست. مسعودمیرزا ظل‌السلطان در آغاز فرمانروایی خویش، طی گزارشی از اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی شهر خرم‌آباد و مخصوصاً وضعیت بازار خرم‌آباد به استقرار تلگراف‌خانه مبارکه در جنب بازار اشاره می‌کند و می‌نویسد:

بازار پنجاه شصت دکان از همه صنف دارد، ولی بازارش طاقی ندارد؛ به علاوه تنگ و مخروبه و کثیف و بی‌قاعده است. تلگراف‌خانه مبارکه نزدیک بازار است (ستوده، بی‌تا: سند ۶۱، ص ۲۶۵).

این گزارش مربوط به ۱۷ ربیع‌الثانی سال ۱۲۹۷ بربر با سال ۱۲۵۹ هجری شمسی است.

آنچه مسلم است، قبل از علی‌اصغرخان تلگرافچی در خرم‌آباد و بروجرد، افراد دیگری به عنوان تلگرافچی در این منطقه حضور داشته‌اند و علی‌اصغرخان در یادداشت‌های خود به اسامی برخی از این تلگرافچی‌ها در بروجرد و خرم‌آباد اشاره می‌کند (نسخه خطی یادداشت‌های میرزا علی‌اصغرخان تلگرافچی به شماره ۱۵۹، برگ ۲-۱۸). والی‌زاده معجزی،

در کتاب *تاریخ لرستان در روزگار قاجار* می‌گوید تلگرافی به امضای مسعودمیرزا ظل‌السلطان که به سال ۱۲۹۸ق/ ۱۸۸۱م به عمویش، اسدخان، در لرستان مخابره شده، در دست داشته است. این امر نشان می‌دهد که در تاریخ مذکور تلگراف‌خانه در لرستان دایر بوده است (والی‌زاده معجزی، ۱۳۸۲: ۱۰۶-۱۰۷). در مجموعه اسنادی که به همت سید یدالله ستوده، تحت عنوان *مستوفی لرستان* در دست انتشار است، تلگرافی وجود دارد که به احتمال بسیار مربوط به سال نخست تأسیس تلگراف‌خانه در

اقدامات بریتانیا، به منظور توسعه ارتباط با هند گسترش یافت (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶: ۱۹۴-۲۰۰). در شمال نیز در جاهایی توسعه نمود که مطامع روس‌ها در آنجا مورد نظر بود. در ایران با گشوده شدن پای استعمار انگلستان و در رقابت با روس‌ها، بخش‌هایی از امتیازات تأسیس تلگراف‌خانه میان انگلستان و ایران قرار داشت که پس از ناآرامی‌های سیاسی که در مستعمرات بریتانیا در هند به وجود آمده بود، با هدف ایجاد خطوط تلگرافی میان هند و اروپا از طریق ایران، خط خانقین را به تهران، بوشهر، فاو، جاسک و کراچی متصل می‌کرد. در ادامه خطوط تلگرافی دیگری که بلوچستان را به یزد و کرمان متصل می‌کرد، ایجاد شد (الموتی، ۱۳۷۰: ۱۳-۱۴). بعدها روس‌ها نیز امتیازاتی برای تأسیس خطوط تلگرافی از ایران در مناطق تحت نفوذ خود در شمال ایران حصول کردند (الموتی، ۱۳۷۰: ۱۷). تأسیس تلگراف در لرستان با پروژه توسعه نفوذ تلگراف در جنوب ایران و خوزستان مرتبط بود که در سال‌های پایانی قرن سیزدهم هجری اتفاق افتاد.

۴. تأسیس تلگراف‌خانه در لرستان

منابع موجود درباره مسئله چگونگی ورود سیم و تلگراف و تأسیس تلگراف‌خانه‌ها، به‌ویژه در مورد تأسیس تلگراف‌خانه در نواحی دور افتاده و ایالت‌های پردردسری نظیر لرستان بسیار محدود است. متأسفانه در مورد چگونگی آغاز برقراری و شروع فعالیت خط تلگرافی در خرم‌آباد نیز اطلاعات دقیقی به دست نیامد. از آنجا که برقراری خط تلگراف در خوزستان در سال ۱۲۹۵ق/ ۱۸۷۸م اتفاق افتاده و مسیر تلگرافی خوزستان و لرستان به هم

۵. گسترش تلگراف‌خانه‌های لرستان در عهد ناصری

لرستان کوچک از قدیم‌الایام، به واسطه عوارض طبیعی، دارای کوه‌های مرتفع، دره‌های حاصلخیز و مناطق میان‌کوهی متعدّد بوده است که بر چگونگی تقسیمات سیاسی آن، شکل‌گیری قدرت‌های بومی و نواحی شهری، ترکیب اجتماعی مردمان کوچ‌رو و ساکن در آنجا تأثیرات فراوان نهاده است. تقسیم لرستان به منطقه «لر کوچک و لر بزرگ» و تقسیم هر یک از این دو، به نواحی و بخش‌های مختلف ناشی از چنین وضعیتی بوده است. لرستان کوچک خود به دو بخش لرستان پیشکوه و پشتکوه تقسیم شده و لرستان پیشکوه خود مشتمل بر مناطق دشت‌نشین بروجرد و سیلاخور بوده و مرکز کوه‌نشین آن نیز تحت مرکزیت شهر کهن شاپورخواست یا خرم‌آباد امروزی بود. چگونگی مدیریت و فرمانروایی در این شهر نیز تحت تأثیر این تقسیمات بوده است. بروجرد و سیلاخور، به عنوان یک مرکزیت سیاسی در عهد قاجار و خرم‌آباد نیز حاکم‌نشین سیاسی منطقه کوه‌نشین بوده و پشتکوه لرستان را از روزگار آغاز قاجار، والی‌نشین لرستان مدیریت می‌کرده است. با اینحال، والی‌نشینی که از روزگار صفویان بر سراسر لرستان، از بروجرد تا عراق و از کرمانشاه تا خوزستان، را به عنوان یک والی‌نشین مقتدر مدیریت می‌کرد، در آغاز حکومت قاجار، قلمروهایش منحصر به پشتکوه لرستان شد و نواحی بروجرد و سیلاخور و خرم‌آباد و سراسر پیشکوه به حکام قاجاری واگذار شد (بهرامی، ۱۳۸۸: ۱۳-۲۰). بر همین اساس مدیریت

لرستان می‌باشد. این تلگراف بین رازان و خرم‌آباد مخبره شده است که ممهور به مهر «تلگراف‌خانه مبارکه خرم‌آباد» است. متن تلگراف بسیار کوتاه و به وقوع یک فقره سرقت در رازان اشاره دارد. با توجه به تاریخ مهر تلگراف‌خانه و تاریخ ثبت تلگراف، تردیدی باقی نمی‌ماند که تلگراف‌خانه خرم‌آباد در سال ۱۲۹۵ق/ ۱۸۷۸م تأسیس شده است و این تاریخ و یا اندکی پیش از این تاریخ باید زمان آغاز به کار تلگراف‌خانه خرم‌آباد باشد (ستوده، بی‌تا: ۳۳۲)؛ البته قطعاً دفتر تلگراف‌خانه رازان و بروجرد می‌باید اندکی پیش از تلگراف‌خانه خرم‌آباد تأسیس شده باشد. محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه در کتاب تاریخ منتظم ناصری اشاره می‌کند که تلگراف‌خانه‌هایی در بروجرد، رازان، خرم‌آباد و بین برخی نقاط خرم‌آباد و خوزستان دایر بوده است و مأمورین، فرآش و رؤسای تلگرافچی در این اماکن فعالیت می‌کرده‌اند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲/ ۱۲۸۴). وی همچنین بعد از بیان وضعیت تلگراف‌خانه‌های لرستان، از دو مرکز مهم تلگراف‌خانه در لرستان یاد می‌کند؛ اولین مراکز تلگراف‌خانه در بروجرد و رازان بوده که یک پست در بروجرد و پست دیگر آن در گردنه رازان لرستان، در میانه راه خرم‌آباد و بروجرد قرار داشته است. مرکزیت تلگراف‌خانه بروجرد و رازان هر دو بر عهده میرزا طاهرخان نامی بوده که رئیس این مرکز محسوب می‌شده است. این مرکز یک سرپرستی و ریاست دو نفر تلگرافچی و یک نفر میرزابنویس و سه نفر سواره نظام و سه خدمه و فرآش داشته است که در مجموع پرسنل آن دوازده نفر بوده‌اند. میرزا طاهرخان رئیس در بروجرد مستقر بوده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱/ ۵۵۰).

خطوط تلگراف‌خانه هم تحت تأثیر این تحولات و تقسیمات در دو مرکز عمده دشت‌نشین و کوه‌نشین لرستان، به مرکزیت بروجرد و خرم‌آباد، مستقر شدند و پست‌های تلگراف‌خانه میان راه‌ها، تحت نظارت این دو مرکز قرار گرفتند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱/ ۵۵۰؛ ۲/ ۱۲۸۴). چندین مرکز عمده تلگراف‌خانه در مرکز لرستان خرم‌آباد و نواحی جنوبی و جنوب غربی لرستان، به‌طور تدریجی دایر شد؛ از جمله مرکز شهر خرم‌آباد و دو مرکز میان راهی مهم بین خرم‌آباد و خوزستان که دارای سه پست تلگراف‌خانه در خرم‌آباد، مجدداً‌آباد و قلعه نصیر بوده و در مسیر راه خوزستان و لرستان قرار داشته است. مدیریت این پست‌ها را مسئول تلگراف‌خانه خرم‌آباد برعهده داشته است. رئیس این مرکز میرزا موسی‌خان سرهنگ بوده که دارای دو نفر تلگرافچی، چهارده نفر غلام و تفنگچی و برای محافظت از خطوط، قلاع و پست‌های تلگراف‌خانه خرم‌آباد به‌عنوان مرکز عمده، دارای پنج نفر غلام بوده است و چهار فرآش و پیشخدمت نیز امور خدماتی این مرکز را عهده‌دار بوده‌اند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱/ ۵۵۰). اعتمادالسلطنه در تاریخ *منتظم ناصری*، اطلاعات مهمی در مورد مراکز تلگراف‌خانه لرستان ارائه می‌دهد که نشان‌دهنده تغییر پرسنل و تغییر مدیران این تلگراف‌خانه‌ها است. وی از سه مرکز مهم تلگراف‌خانه در لرستان یاد می‌کند که به ترتیب زیر بوده‌است:

مرکز تلگراف‌خانه بروجرد: که رئیس آن میرزا عبدالوهاب‌خان بوده و این مرکز دارای دو نفر تلگرافچی، یک نفر میرزا، سه نفر غلام و دو نفر

فرآش بوده است.

مرکز تلگراف‌خانه رازان: اعتمادالسلطنه پست تلگراف‌خانه رازان را دارای یک نفر تلگرافچی، دو نفر غلام و یک نفر فرآش دانسته و از ریاست مستقلی برای این پست تلگراف‌خانه سخنی نمی‌گوید. گویا مسئول این تلگراف‌خانه، مانند دوره قبل، بر عهده رئیس تلگراف‌خانه بروجرد که در این زمان میرزا عبدالوهاب‌خان بوده، قرار داشته است.

مرکز تلگراف‌خانه خرم‌آباد: تلگرافچی یک نفر، غلام دو نفر، فرآش دو نفر. اعتمادالسلطنه از ریاست این تلگراف‌خانه در این زمان سخنی نگفته است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲/ ۱۲۸۴). همچنین در مبحث اداره تلگراف ممالک محروسه ایران که تحت نظارت مخبرالدوله قرار داشته، از دو مرکز عمده تلگراف‌خانه در لرستان یاد می‌شود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۳/ ۲۱۳۵). توصیف اعتمادالسلطنه از وضعیت تلگراف‌خانه‌ها نشان‌دهنده گسترش تلگراف‌خانه و برقراری حداقل پنج پست مهم تلگراف‌خانه در «بروجرد، رازان، خرم‌آباد، مجدداً‌آباد و قلعه نصیر» است.

بعداً پست‌های تلگرافی دیگری نیز در مسیر راه خرم‌آباد به خوزستان ایجاد شد. از جمله این پست‌ها، تلگراف‌خانه‌ای بود که در قلعه رزه ایجاد شده بود. مسعودمیرزا ظل‌السلطان در گزارش سال ۱۲۹۷ق، از استقرار تلگراف‌خانه و نوکرهای پست تلگراف‌خانه در قلعه رزه اشاره می‌کند و در این مورد می‌نویسد:

طول محل بالاگریوه از خرم‌آباد تا قیلاب که محل قشلاق این طوایف و چهار فرسخی دزفول

می‌مانند تا قافله‌ای از آنجا عبور کرده و سدّ جوعی بکنند. با توجه به اینکه عبدالله‌خان در سال ۱۳۰۷ق/ ۱۸۸۹م از این محل گذشته است، از نحوه نصب چادر و وضعیت سکونت تلگرافچی قلعه رزن و محل امینیه چنین برمی‌آید که از زمان تأسیس تلگراف مذکور مدت زیادی نمی‌گذشته، چنان‌که گفته شد، این گزارش مربوط به دوره فرمانروایی ناظم خلوت در لرستان بوده است.

عبدالله‌خان از ایجاد ابنیه جدید در قلعه نصیر که محل تلگراف‌خانه‌ای دیگر در مسیر راه لرستان به خوزستان در منزل قبر بیگ‌علی که یکی از منازل راه کیلان است خبر می‌دهد و اشاره می‌کند:

از سابق تلگراف‌خانه و چارپارخانه در این محل ساخته‌اند. ناظم خلوت هم کاروانسرای خوبی ساخته (۴۵ ذرع در ۳۵ ذرع) یک نفر تلگرافچی و دو عراده کوپ نه پُر اطریش، با دو نفر تویچی در آن محل بود (قراگوزلو، ۱۳۸۲: ۸).

مسئولیت لرستان دشت‌نشین سیلاخور و بروجرد تا گردنه رازان و محل استقرار طایفه دالوندها برعهده مسئول تلگراف‌خانه بروجرد بود تا اخبار و آگاهی‌های تلگرافی را از آنجا به خرم‌آباد و خوزستان انتقال دهد. پست مهم بعدی به مرکزیت شهر خرم‌آباد در نواحی کوه‌نشین لرستان مستقر بود که چندین پست دیگر را در میان راه‌های خرم‌آباد به سوی خوزستان برعهده داشت از خرم‌آباد به سوی کیلان و دزفول چندین پست تلگراف‌خانه دایر شد که ریاست آنها در شهر خرم‌آباد مستقر بوده است. با جستجو و تتبع در منابع و اسناد تلگرافی، مراکز و تلگراف‌خانه‌های لرستان به شرح زیر بوده است:

است سی فرسخ نمی‌شود که هم کوه و جنگل است و تمام اهالی این محل حشَم‌نشین هستند و آبادی عمارتی درین خاک نیست مگر چهار قلعه که سه قلعه آن، که یکی قلعه نصیر و یکی منبر آباد و یکی قلعه رزه است؛ از بناهای سه سال قبل است و محل چند نفر نوکر تلگراف‌خانه است و یک قلعه دیگر از بناهای نصیرخان رئیس طایفه جودکی است که سی چهل سال قبل ساخته شده و خیلی قلعه محکم و با قاعده‌ای است (ستوده، بی‌تا: ۲۶۹).

عبدالله‌خان قراگوزلو، ناظم خلوت فرمانروای لرستان در دوره فرمانروایی میرزا رضاخان، از راه لرستان به خوزستان سفر کرده است و از مسیر راه کیلان به خوزستان در منزل قلعه رزن عبور کرده و از اقدام ناظم خلوت در ایجاد کاروانسرای در مسیر قلعه رزه یاد نموده است که محل امینیه و تلگراف‌خانه بوده است. عبدالله‌خان قراگوزلو که در سال ۱۳۰۷ق/ ۱۸۸۹م، از سوی ناصرالدین‌شاه مأمور به خوزستان بوده است، گزارشی درباره تأسیس پست تلگراف‌خانه در مسیر راه کیلان و در منزل قلعه رزن خبر می‌دهد و می‌نویسد:

در این منزل هنوز دستگاه تلگراف و منزل تلگرافچی در چادر قلندری است. پارسال ناظم خلوت بنای کاروانسرای گذاشته ۴۰ ذرع در ۴۰ ذرع که خان‌زاد از آنجا عبور نمود، دیوارهای آن دو ذرع از زمین بالا آمده بود چنانچه تا به حال [۱۳۰۸ق/ ۱۸۹۰م] ساخته شده باشد خیلی مفید خواهد بود (قراگوزلو، ۱۳۸۲: ۶).

عبدالله‌خان قراگوزلو از اقامت یک تلگرافچی و یک غلام در قلعه رزن خبر می‌دهد که به دلیل بُعد مسافت با خرم‌آباد و دزفول سه چهار روز گرسنه

جدول شماره ۱. فهرست مراکز و تلگراف‌خانه‌های لرستان در عهد ناصری

ردیف	تلگراف‌خانه	محل استقرار	ملاحظات
۱	بروجرد	شهر بروجرد	
۲	رازان	گردنه رازان	بین خرم‌آباد و بروجرد
۳	خرم‌آباد	شهر خرم‌آباد	
۴	قلعه نصیر	قلعه نصیرخان جودکی	
۵	قلعه رزه	قلعه رزه	در گردنه کیلان
۶	مجددآباد	مجددآباد	بین راه لرستان و خوزستان

جدول شماره ۲. فهرست رؤسای تلگراف‌خانه‌های لرستان در عهد ناصری

ردیف	رئیس تلگراف‌خانه	درجه نظامی	محل استقرار	تاریخ
۱	میرزا محمدعلی خان	۴	تلگراف‌خانه خرم‌باد	۱۳۱۰
۲	میرزاهادی خان	سرهنگ	تلگراف‌خانه بروجرد	۴
۳	میرزا عبدالوهاب خان	۴	تلگراف‌خانه بروجرد	۴
۴	میرزا عبدالوهاب خان	۴	تلگراف‌خانه رازان	۴
۵	میرزا طاهرخان	سرتیپ	تلگراف‌خانه بروجرد	۱۳۱۰-۱۳۱۱
۶	میرزا طاهرخان	سرتیپ	تلگراف‌خانه رازان	۱۳۱۰-۱۳۱۱
۷	میرزا موسی خان	سرهنگ	تلگراف‌خانه بروجرد	۴
۸	میرزا علی‌اصغرخان	۴	تلگراف‌خانه خرم‌باد	۴
۹	باقرخان گودرزی	سرتیپ	تلگراف‌خانه خرم‌باد	۱۳۱۱-۱۳۱۲
۱۰	میرزا ناصرالله خان	۴	تلگراف‌خانه بروجرد	۱۳۱۱-۱۳۱۲

۶. رؤسای تلگراف‌خانه‌های لرستان

پس از تأسیس تلگراف‌خانه در لرستان، معمولاً از سوی مسئول تلگراف‌خانه دربار ناصری یعنی مخبرالدوله افرادی برای مدیریت مراکز تلگراف‌خانه‌ها و پست‌های تلگرافچی ولایات از جمله لرستان اعزام می‌شدند که با انجام وظیفه تحت نظر مستقیم مخبرالدوله یا مخبرالملک، اخبار و اطلاعات را دربارهٔ اوضاع ایلات و ولایات به مرکز مخابره می‌نمودند و یا دستورات دربار سلطنت را به فرمانروایان ایلات و ولایات ابلاغ می‌کردند. با توسعه مراکز تلگراف‌خانه، گاه چند مرکز تحت نظارت تلگرافچی‌های بروجرد و خرم‌آباد قرار می‌گرفت. چنان‌که از منابع استنباط می‌شود، ریاست مراکز بروجرد و پست رازان بر عهده رئیس تلگراف‌خانه بروجرد بوده و ریاست تلگراف‌خانه‌های میان خرم‌آباد و خوزستان نیز بر عهده تلگرافچی خرم‌آباد قرار داشته است. در عهد ناصری، تلگرافچی‌هایی که به بروجرد و خرم‌آباد اعزام می‌شدند، عمدتاً دارای درجه نظامی بودند. در جدول شماره ۲ به برخی از اسامی آنان اشاره می‌شود:

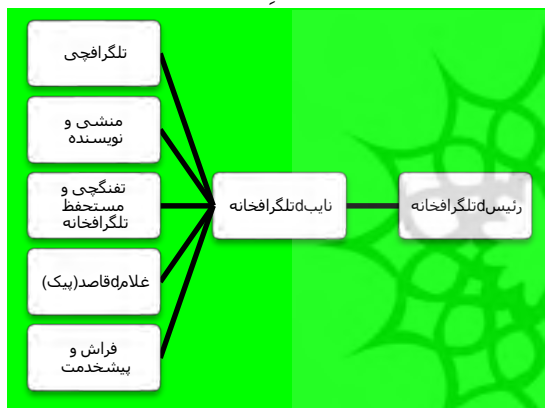
۷. تشکیلات تلگراف‌خانه‌های لرستان

مطابق اطلاعات منابع تاریخی فوق و آنچه که در یادداشت‌های تلگرافچی خرم‌آباد آمده است، تلگراف‌خانه خرم‌آباد، بروجرد و سایر پست‌های تلگراف‌خانه در لرستان، دارای تشکیلات منظم و تعدادی پست رسمی برای پرسنل و کارکنان خود بوده است.

تلگراف‌خانه بروجرد در زمان ریاست میرزا طاهرخان نامی، مرکزیت تلگراف‌خانه بروجرد و رازان را بر عهده داشته است و این مرکز یک رئیس، دو نفر تلگرافچی، یک نفر میرزا بنویس، سه نفر سواره نظام و سه خدمه و فرآش داشته است که در مجموع پرسنل آن دوازده نفر بوده‌اند. میرزا طاهرخان رئیس، خودش در بروجرد مستقر بوده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱/ ۵۵۰). اعتمادالسلطنه همچنین در مورد تعداد پرسنل تشکیلات تلگرافی خرم‌آباد در زمان ریاست میرزا موسی‌خان سرهنگ، اطلاعات خوبی ارائه می‌دهد و می‌نویسد؛ رئیس این مرکز

نمودار سلسله مراتب و تشکیلات تلگراف‌خانه در لرستان با دقت در منابع موجود و با عطف به جدول شماره ۳، مراکز و تلگراف‌خانه‌ها در ولایت لرستان دارای تشکیلاتی بوده‌اند که مشتمل بر این مناصب بوده است: ریاست تلگراف‌خانه محل، نایب تلگراف‌خانه، تلگرافچی، منشی و نویسنده، تفنگچی و مستحفظ تلگراف‌خانه، غلام یا پیک و فراش یا پیشخدمت.

جدول شماره ۳: فهرست سلسله مراتب مناصب در تلگراف‌خانه‌های لرستان



رئیس تلگراف‌خانه: در عهد قاجار و در لرستان مطابق معمول، رئیس تلگراف‌خانه دارای درجه نظامی بوده است. عمدتاً رؤسای تلگراف‌خانه‌ها، دارای درجه‌های سرهنگی و سرتیپی بوده‌اند؛ چنان‌که میرزا طاهرخان، سرتیپ و رئیس تلگراف‌خانه بروجرد و رازان بوده است. میرزا هادی‌خان، رئیس دیگر تلگراف‌خانه بروجرد دارای درجه سرهنگی بود (نسخه خطی یادداشت‌های علی اصغر تلگرافچی، ۲). باقرخان رئیس تلگراف‌خانه خرم‌آباد، درجه سرهنگی داشته است. باقرخان مذکور بعد از عزل میرزا علی اصغرخان تلگرافچی خرم‌آباد به ریاست تلگراف‌خانه مذکور رسید و به درجه سرتیپی ارتقاء یافت. یکی دیگر از رؤسای تلگراف‌خانه خرم‌آباد به نام

میرزاموسی خان سرهنگ بوده است این مرکز دارای دو نفر تلگرافچی، چهارده نفر تفنگچی برای محافظت از خطوط و قلاع و پست‌های تلگراف‌خانه خرم‌آباد به‌عنوان مرکز عمده تلگراف‌خانه و دارای پنج نفر غلام بوده است و نیز در این مرکز چهار فرآش و پیشخدمت امور خدماتی این مرکز را برعهده داشته‌اند که در مجموع، در تلگراف‌خانه خرم‌آباد در دوره ریاست میرزا موسی خان سرهنگ، بیست و شش نفر در این مرکز خدمت می‌کرده‌اند که تشکیلات قابل ملاحظه‌ای به‌شمار می‌آمد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱/ ۵۵۰). در مورد تعداد پرسنل تلگراف‌خانه بروجرد در زمان ریاست میرزا عبدالوهاب‌خان، آمده است که این تلگراف‌خانه، دارای دو نفر تلگرافچی، یک نفر میرزا، سه نفر غلام و دو نفر فرآش بوده است که با ریاست تلگراف‌خانه نه نفر پرسنل داشته، البته اعتمادالسلطنه از پرسنل حافظ نظم و سیم، که تفنگچی تلگراف‌خانه بوده، نامی نبرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱/ ۵۵۰؛ ۲/ ۱۲۸۴؛ ۳/ ۲۱۳۵). وی همچنین تعداد پرسنل تلگراف‌خانه رازان را چهار نفر ذکر کرده که یک نفر تلگرافچی، دو نفر غلام و یک نفر فرآش بوده‌اند ولی تعداد مستحفظین تلگراف‌خانه را ذکر نمی‌کند در حالی که قطعاً برای حفاظت از سیم و خطوط تلگرام در گردنه صعب‌العبور رازان در دوره ناصری به تعداد قابل ملاحظه‌ای مستحفظ نیاز بوده که بدان‌ها اشاره نشده است. به نظر می‌رسد با احتساب وجود هشت پست تلگراف‌خانه در لرستان، تعداد کارکنان و مستحفظین تلگراف‌خانه‌های لرستان در عهد ناصری به طور متوسط به رقمی بین یک‌صد تا یک‌صد و پنجاه نفر می‌رسید.

خوزستان استفاده می‌شد و در این زمینه آورده است: تلگراف خط عربستان از میان خاک طایفه جودکی و دیرکوند عبور می‌کند و نگهبان و خدمه سیم از این دو طایفه است (ستوده، بی تا: ۲۶۹).

غلام و پیک: مأمور اطلاع‌رسانی و انتقال و دریافت نامه‌ها و تلگراف‌ها و رابط میان حکومت و کارگزاران محلی و مردم با مسئول و دفتر تلگراف‌خانه بوده و در واقع پیک تلگراف‌خانه به‌شمار می‌رفته است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱/ ۵۵۰؛ ۲/ ۱۲۸۴؛ ۳/ ۲۱۳۵).

فرآش: فرآش‌های تلگراف‌خانه نیز مسئول تدارکات، نظافت و امور خدماتی در تلگراف‌خانه‌ها و تهیه سورسات و تدارک غذا و همچنین نظیف امور تلگراف‌خانه بوده‌اند (همان‌جا).

۸. اوضاع لرستان و مأموریت میرزا علی اصغرخان تلگرافچی

با توجه به توسعه تلگراف‌خانه در روزگار مأموریت میرزا علی اصغرخان تلگرافچی در سال ۱۳۱۱ق/ ۱۸۹۳م وضعیت رقابت بر سر تصدی مقام تلگرافچی در لرستان به صورت یک مسئله مهم درآمده بود و حکام و فرمانروایان محلی نیز تلاش می‌کردند با توجه به نفوذ تلگراف‌خانه شرایط حکومتی خود را در قبال سعایت احتمالی مأمورین تلگراف‌خانه‌ها استوار کنند. طولانی‌ترین دوره حکومت لرستان، پس از فرمانروایی ظل‌السلطان در این زمان، دوره فرمانروایی رضاخان ناظم خلوت در لرستان بوده است. رضاخان ناظم خلوت، از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۰ق (۱۸۸۸-۱۸۹۲م)، به‌عنوان فرمانروای لرستان، در این دیار حکمرانی کرد.

میرزا موسی‌خان درجه سرهنگی داشته است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱/ ۵۵۰).

تلگرافچی: وی امور فنی و تکنیکی تلگراف‌خانه را برعهده داشته و گاه خود ایشان رئیس تلگراف‌خانه هم بوده است. چنان‌که میرزا علی-اصغرخان تلگرافچی و میرزا هادی‌خان سرهنگ، رئیس تلگراف‌خانه بروجرد به‌عنوان تلگرافچی معروف بوده و خود ریاست تلگراف‌خانه را نیز برعهده داشته‌اند (نسخه خطی یادداشت‌های تلگرافچی، ۲). عموماً به‌خاطر مسائل امنیتی و نظامی، رئیس تلگراف‌خانه شخصیتی نظامی داشته است. تلگرافچی‌ها به امور فنی خط، سیم و تلگراف آشنا بوده و در مواقع نیاز به همراه پرسنل تلگراف‌خانه و مستحفظین تلگراف‌خانه به ترمیم سیم تلگراف می‌پرداخته‌اند (ستوده، بی تا: ۴۳۲-۴۴۲).

منشی و نویسنده تلگراف‌خانه: تهیه یادداشت تلگراف‌ها و یادداشت‌ها، تنظیم شکوایه‌ها و عرایض و ثبت و ضبط دفاتر تلگرافی تلگراف‌خانه را برعهده داشته است.

تفنگچی‌های تلگراف‌خانه: مأمورین برقراری امنیت در تلگراف‌خانه و پست‌های تلگرافی بین راه و نیز مراقبت از خطوط تیر، سیم و تلگراف را برعهده داشته و در مسیر خطوط تلگراف‌خانه‌ها به گشت‌زنی و محافظت از خطوط سیم و تلگراف می‌پرداخته‌اند. گاهی برای حفاظت و حراست از خطوط سیم و تلگراف، از قدرت ایلات و طوایف محل استفاده می‌شده است، چنان‌که در گزارش ظل‌السلطان در سال ۱۲۹۷ق/ ۱۸۷۹م آمده است؛ در مسیر ایلات و طوایف جودکی و بهاروند از قدرت این ایلات برای تأمین خطوط تلگراف خرم‌آباد به

سوی ناصرالدین‌شاه، به‌عنوان حاکم لرستان منصوب شده است. دوره حکومت او در لرستان قرین امنیت و آسایش بوده و گویا وی با سابقه مأموریت‌های مکرر خود در لرستان، در این دوره توانسته است از تجربیات پیشین خود در ایجاد آرامش و ثبات و اداره امور ایالتی لرستان استفاده فراوان ببرد و نوع برخوردهای زیرکانه او با میرزا علی‌اصغرخان، تلگرافچی خرم‌آباد، و باقرخان سرتیپ، تلگرافچی بعدی که به‌جای میرزا علی‌اصغرخان به‌عنوان رئیس اداره تلگرافی خرم‌آباد منصوب می‌شود، حکایت از زیرکی و فراست او در استفاده از عناصر و افراد مؤثر در اداره خرم‌آباد دارد. مطابق اسناد و مدارک و تلگراف‌های موجود، حکومت عبدالله میرزا حشمت‌الدوله تا ۲۷ رجب ۱۳۱۲ یا اندکی پس از آن ادامه داشته است. در این مدت حشمت‌الدوله به خوبی توانست از عهده کارها برآید و روابط و مناسباتی با بزرگان و رؤسای محلی، از جمله والی مقتدر پشتکوه - حسینقلی‌خان - برقرار کند (فهرست اسناد علاءالدوله و حشمت‌الدوله، بی‌تا: ۳۳۹-۳۹۳).

در همین زمان بود که به فرمان ناصرالدین‌شاه، عبدالله میرزا حشمت‌الدوله با همکاری والی حسینقلی‌خان ابوقدّاره مأمور سرکوب طغیان دریکوندها و سگوندها شدند (بختیاری، ۱۳۶۲: ۲۵۶-۲۶۲). پس از اینکه توانستند آنها را سرکوب نمایند و امنیت و آرامش را در لرستان فراهم آورند، از طرف ناصرالدین‌شاه مورد تقدیر قرار گرفتند و شاه هدایا و خلعت‌هایی را برای عبدالله میرزا حشمت‌الدوله و حسینقلی‌خان ابوقدّاره ارسال کرد و به والی مذکور، سردوشی و شمشیری مرصع عطا شد. به‌خاطر دوستی و پیوند سببی با خاندان والی، رابطه

حکومت ناظم خلوت، پس از عزل ظل‌السلطان و با پایان یافتن فرمانروایی حکام انتصابی او بر لرستان آغاز شد. رضاخان ناظم خلوت از امرای دربار و از اعضای خلوت شاهی و سخت‌مورد اعتماد ناصرالدین‌شاه بوده است لذا پس از عزل‌السلطان، فرمان حکومت لرستان به نام او صادر شد. وی شخصاً به خرم‌آباد آمد و میرزا کریم‌خان نامی را به‌عنوان نایب‌الحکومه خود در بروجرد گماشت. بنا به قول والی‌زاده معجزی، مردی مهربان و رؤف بود و با مردم نجیب و خاندان‌های قدیم خرم‌آباد با احترام رفتار می‌کرد و در عمرانی و آبادانی خرم‌آباد و لرستان کوشیده است (والی‌زاده معجزی، ۱۳۸۰: ۲۷۹-۲۸۰) ولی ایشان نتوانست امنیت عهد ظل‌السلطان را در لرستان برقرار کند و پس از عزل او در سال ۱۳۰۹ق / ۱۸۹۱م یا کمی قبل از آن، وجیه‌الله میرزا، ملقب به سیف‌الملک و معروف به امیرخان سردار، فرزند احمد میرزا عضدالدوله و نواده عباس میرزا نایب‌السلطنه، به‌جای او حاکم لرستان شد (همان: همان‌جا). ناصرالدین‌شاه در زمان فرمانروایی ایشان در سال ۱۳۰۹ق / ۱۸۹۱م از لرستان بازدید و از لرها دلجویی کرده است. بروز برخی ناامنی‌ها در لرستان در زمان حکومت امیرخان سردار در سال ۱۳۱۰ق / ۱۸۹۲م باعث خشم ناصرالدین‌شاه و عزل امیرخان در ماه شعبان ۱۳۱۰ق شد (همان: ۲۸۶-۲۸۷). اما روزنامه ایران کمی قبل از آن، خبر انتصاب عبدالله میرزا حشمت‌السلطنه را به‌عنوان حکمران جدید بروجرد درج کرده است و در همین زمان است که عبدالله میرزا با لقب جدید عبدالله‌خان حشمت‌الدوله، فرمانروای لرستان شد. براساس این گزارش، ایشان در ۲۴ رجب ۱۳۱۰، از

حشمت‌الدوله در سال ۱۳۱۱ق/ ۱۸۹۳م و بیان برخی رویدادها و حوادث این زمان در یادداشت‌های تلگرافچی و اهمیت آن است.

۹. تلگرافچی خرم‌آباد و حکمران لرستان

حضور علی‌اصغرخان تلگرافچی، به عنوان مدیر اداره تلگرافی خرم‌آباد، مصادف با دوره حکومت عبدالله‌میرزا حشمت‌الدوله بر لرستان بود. هر چند مدت ریاست او بر اداره تلگراف خرم‌آباد، به قول خودش هفت هشت ماه بیشتر طول نکشیده است اما اطلاعات او که در طول مدت ریاستش بر اداره تلگرافی خرم‌آباد و مدتی که پس از عزلش از این سمت به اجبار در آنجا ساکن شده، اطلاعات خوبی درباره شخصیت عبدالله‌میرزا حشمت‌الدوله و حکومت او در لرستان و خرم‌آباد و همچنین وضعیت اجتماعی و سیاسی خرم‌آباد در این دوره به دست می‌دهد؛ به‌ویژه آنکه میرزا علی‌اصغرخان در خاطرات و یادداشت‌های خودش از اهمیت تلگراف‌خانه و تلگرافچی در خرم‌آباد و تلگراف‌خانه‌های سایر مناطق و برخی از همکاران تلگرافچی خود در لرستان، بروجرد و سایر جاهای دیگر یاد می‌کند. در سازمان اسناد ملی، فهرست تفصیلی از اسناد عبدالله‌میرزا حشمت‌الدوله موجود است که مجموعه‌ای از نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و تلگراف‌ها، از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۲ق (۱۸۹۲-۱۸۹۴م) و شامل دوره‌ای از فرمانروایی حشمت‌الدوله در لرستان است. این اسناد، مکاتبات رد و بدل شده بین عبدالله‌میرزا حشمت‌الدوله با ناصرالدین‌شاه و صدراعظم و دیگر شاهزادگان و امرای مرکزی و محلی است. بخش مهمی از اسناد و مدارک مذکور،

عبدالله‌میرزا حشمت‌الدوله و والی مستحکم‌تر شد و دختر حشمت‌الدوله، همسر فرزند ارشد حسینقلی‌خان، یعنی غلامرضاخان آخرین والی لرستان شد که این امر عامل مهمی در حمایت‌های حسینقلی‌خان از حشمت‌الدوله، در لرستان شد (بختیاری، ۱۳۶۲: ۲۵۶-۲۶۲). صدور تلگراف‌های فراوان در این زمان حکایت از فعالیت گسترده تلگراف‌خانه‌های لرستان در تنظیم مناسبات میان حکومت مرکزی و حکومت محلی است. این امر نشان‌دهنده نقش تلگراف و تلگراف‌خانه در پیشبرد امور و اطلاع به موقع از تحرکات ایلات و عشایر و نیروهای گریز از مرکز و مرکزیت ایالتی بوده است.

پس از مدتی نظام‌السلطنه از سوی دربار به فرمانروایی لرستان رسید. در اسناد منتشر شده، نامه‌ای از شخصی به نام محمدجعفر برای حشمت‌الدوله در سال ۱۳۱۱ق/ ۱۸۹۳م موجود است که ضمن اشاره به امور مالی که بین او و حشمت‌الدوله رخ داده، آمده است که ناصرالدین‌شاه حکومت ایالت لرستان و بروجرد را به نظام‌السلطنه داده است و هنوز او نمی‌خواهد افشا کند و در فکر تدارک حکومت است. ارسال برخی تلگراف‌های سرزنش‌آمیز از دربار به حشمت‌الدوله نیز حکایت از این امر دارد (فهرست اسناد علاءالدوله و حشمت‌الدوله، بی‌تا: ۴۳۶-۴۳۷). به نظر می‌رسد در یکسال آخر حکومت حشمت‌الدوله، نفوذ نظام‌السلطنه در دربار ناصری باعث شد که شاه حکومت لرستان را به وی واگذار کند و عبدالله‌میرزا حشمت‌الدوله را از حکومت برکنار نماید. به هر حال، آنچه در اینجا مورد نظر است، تلاقی دوره ریاست میرزا علی‌اصغرخان تلگرافچی خرم‌آباد با دوره فرمانروایی

متن و محتوای این تلگراف‌ها عموماً مطالبی است که از شاه و یا صدراعظم برای حاکم لرستان و بروجرد، یعنی عبدالله میرزا حشمت‌الدوله، مخبره شده است. مبدأ و مقصد اکثر این تلگراف‌ها از تهران به خرم‌آباد یا بالعکس از خرم‌آباد به تهران، از اصفهان به خرم‌آباد، از بروجرد به خرم‌آباد، از بروجرد به رازان، از تهران به بروجرد، از سلطنت‌آباد به خرم‌آباد، و از کرمانشاه به خرم‌آباد است. فرستندگان این تلگراف‌ها، شخص شاه، صدراعظم، مشیرالدوله، دبیرالملک، ظل‌السلطان و نایب‌السلطنه هستند.

ارتباط حکام و فرمانروایان تا قبل از برقراری اداره تلگراف‌خانه به وسیله پیک و به صورت مکتوب یا شفاهی رد و بدل می‌شد ولی پس از مدتی مراسلات پستی متداول شد، سپس با تأسیس اداره تلگراف‌خانه سلطنتی و اداره تلگرافی دولت علیه ایران و توسعه آن در شهرها و مراکز ایالتی و ولایتی شبکه تلگرافی، دولت علیه ایران از این طریق توانست نظارت مستمر و بهتری بر اعمال و رفتار حکام ولایت و ولایات اعمال کند. لذا حکام ایالات و ولایات که از طریق گسترش شبکه اداره تلگرافی تحت نظارت بیشتری قرار گرفته بودند، در صدد برآمدند تا با نزدیکی به رؤسای ادارات تلگراف‌خانه‌ها در شهرها و دادن تعارفی و رشوه به آنها، از ارسال اخبار و تلگرافات و مطالب و اخبار حوزه حکومتی خودشان که بدون اجازه آنها مخبره می‌شده و ممکن بود به ضرر آنها باشد، جلوگیری نمایند. اعزام مستقیم مسئولین تلگراف‌خانه‌ها از سوی اداره تلگرافی دولت علیه ایران، به همین منظور بود که از زد و بندهای

اسناد تلگراف‌خانه‌ها است که نشان‌دهنده نقش و اهمیت تلگراف‌خانه و توسعه روزافزون آنها در عهد ناصری در لرستان، به عنوان یک ابزار و اداره مهم و تأثیرگذار در انتقال اطلاعات و اخبار حکام ایالات و ولایات به تهران و سایر نقاط مورد نظر است. در این مجموعه ۲۰۷ فقره کاغذ تلگرافی وجود دارد که احتمالاً تنها بخشی از تلگراف‌های ارسالی به عبدالله میرزا حشمت‌الدوله یا از سوی ایشان به مرکز و گیرندگان این نامه می‌باشد. وجود این حجم از تلگراف در دوره حکومت و فرمانروایی عبدالله میرزا در لرستان و بروجرد و کمره نشان‌دهنده حجم زیاد مراسلات تلگرافی و فعالیت گسترده تلگراف‌خانه‌ها در این دوره است. در فهرست اسناد علاءالدوله و حشمت‌الدوله که از سوی سازمان اسناد ملی منتشر شده، درباره خصوصیات و ویژگی‌های تلگراف و سواد تلگراف‌های مذکور چنین آمده است:

سوادهای تلگرافی ۲۰۷ عدد است و در کاغذهای تلگراف طبق نمونه‌های چاپی قدیم نوشته شده است. علامت شیر و خورشید در بالای صفحه در وسط آمده و زیر آن "اداره تلگرافی دولت علیه ایران"، در گوشه سمت راست بالای صفحه مبدأ و مقصد، در گوشه سمت چپ سنه، و در پایین صفحه تاریخ تلگراف قید شده است. مهر کوچک و سیاه تلگراف‌خانه شهر مقصد در انتهای مطالب تلگراف و کنار نام فرستنده تلگراف دیده می‌شود. سوادهای تلگرافی غیر از شماره ۱۱ تا ۱۳، ۲۰۶ و ۲۰۷ روی شومیز چسبانده شده است. به سوادهای تلگرافی نیز شماره ردیف جداگانه‌ای داده شد (فهرست اسناد علاءالدوله و حشمت‌الدوله، بی‌تا: ۲۴۹).

حکومت مرکزی داشت؛ از جمله آنکه ایجاد تلگراف‌خانه‌ها و حضور تلگرافچی‌ها که مستقیماً تحت نظارت مخبرالدوله‌های مرکز بودند و سنوات و سال‌های مأموریت آنها، به بنا به خواست تلگراف‌خانه دولت علیه ایران بود، در واقع مجری دستورات صادره از مرکز بودند که به حکام و والیان و فرماندهان ولایتی و مأمورین دوایر دولتی ابلاغ می‌شد و از سوی دیگر درخواست‌ها، نامه‌ها، شکوائیه‌ها، عرایض، اخبار ولایات و ایالات را به مرکز و دوایر حکومت مرکزی مخابره می‌نمودند. به علاوه نقش دیگری که این تلگراف‌خانه‌ها و تلگرافچی‌ها داشتند، نقش خبرگیری و جاسوسی بود (ملک‌آراء، ۱۳۶۲: ۶۳). آنها دارای اختیاراتی بودند که از حکومت مرکزی به آنها ابلاغ شده بود و موجب و ماهیانه خود را، بنا به دستور مرکز، از سوی حکومت محلی آنجا دریافت می‌کردند و از این‌رو محل وثوق حکومت مرکزی و عامل اطلاع‌رسانی و خبرگیری از حکومت محلی و کارگزاران ایالات و ولایات بودند.

متن خاطرات تلگرافچی لرستان در خرم‌آباد نشان‌دهنده رقابت میان کارگزاران محلی و غیرمحلی حاکم و شاهزاده قاجاری در لرستان، برای تسلط و نفوذ بر تلگراف‌خانه و اخبار آن است. این اخبار هم شامل اطلاعات و اخبار رسمی و مخابرات حکومت محلی بود و هم شامل گزارش‌های خاص تلگرافچی که می‌توانست هر ازگاهی آنچه که لازم بود به مرکز مخابره کند. طبیعی است در چنین صورتی حکام، شاهزادگان، مأموران و کارگزاران حکومت مرکزی و به‌طور کلی بزرگان، شیوخ، تجار، بازرگانان و همه توده مردم،

احتمالی حکام و فرمانروایان با رؤسای ادارت تلگرافی جلوگیری نمایند. از این رو بعدها چنان‌که در نسخه خطی علی‌اصغر خان تلگرافچی نیز به این امر اشاره شده است، از طرف مخبرالدوله رئیس اداره تلگرافی دولت علیه امر شده بود که رؤسای ادارت تلگرافی پس از دو سال بایستی محل خدمت خود را عوض کنند تا امکان زد و بندهای سیاسی و دوستانه فراهم نیاید. متن یادداشت‌های تلگرافچی خرم‌آباد به خوبی از نقش تلگراف، قدرت تلگرافچی‌ها و زد و بند و مناسبات آنان با حکام پرده برمی‌دارد و از سویی نشان‌دهنده تاثیر این اداره در تبادل اخبار و ارسال آگاهی به مرکز و اطلاع‌رسانی به کارگزاران سیاسی و مالی و اقتصادی و نظامی برای تصمیم‌گیری مناسب و مقتضی می‌باشد (تلگرافچی، نسخه خطی، برگ ۲، ۳، ۴).

۱۰. تأثیر تلگراف‌خانه در لرستان عهد ناصری و تمرکزگرایی سیاسی

تا پایان دوره ناصری خطوط تلگرافی و تلگراف‌خانه‌های مختلفی در ایران ایجاد شد و دولت مرکزی ایران نیز از عهد ناصرالدین‌شاه به بعد با گسترش این خطوط، توسعه و نفوذ قدرت مرکزی را در ایالت‌ها و ولایات مختلف بیشتر نمود. خطوط تلگرافی ایجاد شده به زودی شبکه گسترده‌ای از تلگراف، تلگراف‌خانه‌ها و تلگرافچی‌ها را که در حکم مأمورین حکومت مرکزی ایران بودند، تحت نظارت مخبرالدوله در مرکز، اداره می‌نمود. این شبکه‌ها که در مراکز ایالت‌ها و ولایت‌های مختلف ایجاد شد، اهمیت اساسی برای

به قدرت تلگرافچی و اهمیت مرکز تلگراف‌خانه و نقش و نفوذ تلگرافچی‌ها پی برده بودند. لذا حکام و مأموران حکومتی لرستان و بسیاری از خوانین لر می‌دانستند برای اینکه هم رضایت حکومت مرکزی را به دست آورند و هم از دسیسه احتمالی تلگرافچی در امان بمانند، بایستی روابط خاصی با مأموران اطلاع‌رسانی تلگراف‌خانه برقرار کنند. از این لحاظ، ایجاد تلگراف‌خانه، مناسبات قدرت میان حکومت لرستان و قدرت مرکزی را به شدت تحت تأثیر قرار داد و در این میان تلگرافچی‌ها، نقش برجسته‌ای را میان حکومت مرکزی و حکام بومی و محلی ایفا می‌نمودند. حکومت مرکزی نیز به خوبی از این امر واقف بود و گاهی تلاش می‌کرد با جابه‌جایی تلگرافچی‌ها در ایلات و ولایات، از تبانی احتمالی فرمانروایان و تلگرافچی‌ها جلوگیری کنند و از سوی دیگر حاکمان در تلاش بودند تا تلگرافچی‌ها را با خود موافق و همراه سازند (تلگرافچی، نسخه خطی، شماره ۱۵۹، برگ ۱۰-۱۸).

محتوای خاطرات تلگرافچی خرم‌آباد نشان می‌دهد که تلگرافچی‌ها به موقعیت حساس خود پی برده بودند و می‌توانستند منفعت‌هایی ببرند و از یک سو در صورت نیاز می‌توانستند موجب خشنودی حکومت مرکزی شوند و از سوی دیگر می‌توانستند رضایت حاکم بومی و محلی را نیز جلب کنند و یا از طریق اهرم‌های قوی مخابراتی که در اختیار آنها بود و با اشرافی که بر متن پیغام‌ها و تلگراف‌های حکومت بومی داشتند، کارگزاران و مأموران حکومتی ایالت و ولایات را تحت نفوذ خود قرار دهند؛ به طوری که تلگرافچی، گاه تأثیر زیادی بر تصمیمات یک کارگزار و حاکم سیاسی یک محل یا

سایر مأموران حکومتی در آن منطقه می‌نهاد و می‌توانست در امور بسیاری مداخله کند و یا برخی از مشکلات را با نفوذ خود حل و فصل نماید. از این‌رو، از مردم عادی تا عالی‌رتبه‌ترین مأموران سیاسی در هر محل، به موقعیت و نفوذ او واقف بودند و همواره تعارفی‌ها و هدایایی به تلگرافچی‌ها می‌دادند. یادداشت‌های تلگرافچی خرم‌آباد بخشی از این دسته‌بندی‌ها و رقابت‌ها در مرکز تلگراف‌خانه لرستان را آشکار می‌سازد (تلگرافچی، نسخه خطی، برگ ۸-۱۸). تغییر محل مأموران تلگراف‌خانه می‌توانست اسباب وحشت حکام و فرمانروایان باشد زیرا مأمورین مذکور بدون اطلاع حاکم محلی و از سوی دربار سلطنت و مخبرالدوله از مرکز تهران اعزام می‌شدند و قدرت و نفوذشان می‌توانست حکام محلی شهرها و مناطق مختلف را با دردمس مواجه کند، از این‌رو، در زمان ناصرالدین‌شاه به منظور جلوگیری از سوءاستفاده رؤسای تلگراف‌خانه‌ها و یا جلوگیری از زد و بندهای احتمالی آنان با خوانین، بزرگان بومی و حکام و فرمانداران محلی، از مرکز تلگراف‌خانه مبارکه ناصری، دستورالعملی به ولایات و مراکز تلگراف‌خانه‌ها صادر شد که مدت خدمت تلگرافچی‌ها و رؤسای تلگراف‌خانه‌ها در این مراکز بیش از دو سال نباشد و محل خدمت آنها تغییر کند (تلگرافچی، نسخه خطی، شماره ۱۵۹، برگ ۲)؛ بدین صورت حکومت مرکزی در صدد بود تا از طریق اخبار تلگرافی دامنه نظارت و قدر خویش را در لرستان و سایر مناطق ایران توسعه دهد.

حکومت ایران نیز همچون قدرت‌های استعماری در راستای تقویت و توسعه قدرت

لرستان را وادار می‌نمود که به اوامر و تمایلات رؤسای تلگراف‌خانه‌ها حساس باشند.

چنین وضعیتی در لرستان بدان لحاظ که اکثریت مردم لرستان عشایر کوچ‌رو و نمایندگان جوامع غیر مدنی بودند، اوضاع را بسیار پیچیده‌تر می‌کرد. ایلات و عشایر، توسعه خطوط تلگراف‌خانه‌ها را راهی برای اعمال قدرت و نفوذ فزاینده حاکمیت مرکزی و نمایندگان آنها در نظارت و تسلط بر خود می‌دیدند؛ امری که از نظر آنها باعث افزایش و تثبیت نفوذ قدرت مرکزی می‌شد. تثبیت قدرت مرکزی از یک سو منجر به افزایش فشار بر عشایر و نیروهای محلی و بومی می‌شد و از سوی دیگر و به نوبه خود فشارهای اقتصادی و مالیاتی سنگینی را برای عشایر و خوانین محلی به دنبال داشت و در نهایت به کاهش قدرت و نفوذ آنها در لرستان منجر می‌شد. رؤسای ایلات و عشایر آگاه بودند که ورود این پدیده‌های نوین یعنی تأسیس تلگراف و خطوط و سیم تلگرافی و تلگراف‌خانه‌ها و تأسیس خطوط آهن برای منطقه بسیار مفید است اما باعث آن می‌شود که دست اشراف دربار و مأمورین دولتی و قدرت مرکزی را در اعمال فشار بر عشایر چادرنشین باز بگذارد و آنها را قادر می‌سازد که در کمال سهولت، مردم، عشایر و خوانین را در مضیقه قرار دهند. نظرعلی‌خان طرحانی از توسعه خط راه‌آهن (که همچون خطوط تلگراف به گسترش نفوذ استعمار و استبداد منجر می‌شد) در منطقه لرستان ابراز نگرانی کرد. وی معتقد بود که توسعه این گونه پدیده‌ها در لرستان فقط دست چپاول مأموران خدانشناس و زورگو را بر سر مردم دراز خواهد کرد تا جایی که ویلسون برای راضی کردن

مرکزی، استفاده از ابزار سیم و تلگراف را برای توسعه شعاع قدرت مرکزی لازم می‌دید؛ بنابراین هرچقدر به توسعه دامنه شبکه تلگراف و تأسیس تلگراف‌خانه‌ها اقدام می‌شد، دولت مرکزی بر جزئیات اخبار و وضعیت سیاسی و امنیتی ایلات و ولایات دست می‌یافت و از طریق به دست آوردن اخبار و اطلاعات لازم، شاه و دربار را در مهار ناآرامی‌ها، تحریکات و خنثی‌سازی توطئه‌های شاهزادگان قاجاری در ایلات و ولایات کمک می‌کرد. لرستان یکی از ایلات و ولایات پرخطر و ناامن در عهد قاجار بود و لزوم توجه به مهار قدرت ایلات و عشایر و اخبار تحرکات آنان و دستیابی به عملکرد شاهزادگان قاجار در این منطقه دارای اهمیت فراوانی بود.

ناصرالدین‌شاه تمایل شدیدی برای تمرکز بخشی و کنترل و مهار نیروهای سیاسی محلی و پیرامونی داشت، در نتیجه ابزار تلگرام و سازمان و ساختار تلگراف‌خانه‌ها را براساس همین دیدگاه تنظیم کرد و یک سیستم متمرکز مخابراتی در مرکز تحت نظارت مخبرالملک و مخبرالدوله به وجود آورد و در مراکز و شهرها هم یک نماینده از سوی مرکز اعزام می‌شد که حکم خود را نه از والی یا فرمانروای محلی، بلکه از مخبرالملک در مرکز دریافت می‌کرد. رؤسای تلگراف‌خانه‌ها دارای درجه نظامی بودند و این امر حکایت از آن داشت که رؤسای تلگراف‌خانه‌ها، مطیع مطلق اوامر قدرت مرکزی و سرباز شخص شاه و وزیر دولت مرکزی بودند و باید به دور از اعمال نفوذ شاهزادگان ایلات و خوانین، آگاهی‌ها و اخبار لازم را به اطلاع قدرت مرکزی برسانند. این امر، هم شاهزادگان و هم خوانین محلی و رؤسای عشایر

نظرعلی‌خان به دیدار وی رفت تا در باب مزایای توسعه و ابزارهای جدید به گفتگو بنشیند (ویلسون، ۱۳۹۴: ۴۱۰-۴۱۳).

۱۱. نتیجه

ایران دوره قاجار، با گسترش فزاینده تکنولوژی غرب، سعی در فاصله گرفتن از جامعه سنتی و روی آوردن به دنیای مدرن و بهره‌گیری از ابزارهای جدید تمدنی نمود. دوره فرمانروایی ناصرالدین‌شاه که نزدیک نیم قرن طول کشید، سرآغاز و منشاء تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مهمی در ایران است. در حالی که استعمار انگلیس و روس برای بسط توسعه و نفوذ خود در ایران از طریق ابزارهای نوین تلاش می‌کردند، ناصرالدین‌شاه نیز، با سفر به کشورهای اروپایی و با تأسی و الگوگیری از آنها به طرق مختلف، ابزارهای نوین و تکنولوژی اروپایی را وارد کشور کرد و با انعقاد معاهدات با کشورهای خارجی، علی‌الخصوص روس و انگلیس، از آنها برای احداث راه آهن، تراموای برقی، خطوط تلگراف و غیره استفاده کرد. خطوط تلگراف که امر دسترسی آسان به ایالات و ولایات را فراهم می‌کرد، در دوره ناصرالدین‌شاه ابتدا مختص به تهران پایتخت بود ولی با گسترش آن، بیشتر شهرهای ایران از شبکه خطوط تلگراف بهره‌مند شدند که این امر، هم اهداف شاه قاجار برای نظارت و کنترل بر ولایات و هم اهداف قدرت‌های استعماری و مقاصد و منافع اقتصادی دول انگلیس و روس را فراهم می‌ساخت. لرستان به عنوان ایالتی که تحت نفوذ ایالات و طوایف متعدّد بود، یکی از پردرد سرترین ولایات برای حکومت قاجاریه محسوب می‌شد.

سیاست تحدید نفوذ حکومت‌های محلی و قاجارسازی ایالات، اسباب بروز ناآرامی‌های متعدّدی را برای حکومت، شاهزادگان و امرای قاجاری پدید آورد. تا پیش از تأسیس تلگراف‌خانه در لرستان، سیاست نظارت و کنترل مردم و عشایر لرستان با توجه به وضعیت جغرافیای و مشکل ارتباط با حکومت مرکزی صرفاً از طرق دریافت گزارشات مکتوب عوامل و کارگزاران قاجاری صورت می‌گرفت. بهره‌گیری از قدرت ارتباطی ابزار نوینی به نام تلگراف در پایتخت و شهرهای بزرگ، ناصرالدین‌شاه را به اندیشه توسعه و گسترش استفاده از این ابزار در ولایات مختلف کشور واداشت تا تسلط و نفوذ قدرت مرکزی را در اشراف بر اطلاعات و اخبار ایالات و ولایات بسط دهد. از جمله این ولایات که در روزگار ناصری مراکز تلگراف‌خانه مبارکه در آنجا بر قرار گردید، لرستان بود که علی‌رغم تضادهای مختلف و صعوبت برقراری خطوط سیم و تلگراف در لرستان، از روزگار فرمانروایی ظل‌السلطان، شاهد برقراری و تأسیس مراکز متعدد تلگراف‌خانه بود که مدتی پس از حکمرانی ظل‌السلطان و تا پایان عصر ناصری، به صورت شبکه‌ای نسبتاً گسترده در لرستان درآمد. کاربرد این شبکه ارتباطی به تغییرات مهمی در چهره لرستان و تأمین امنیت و بسط نفوذ حکومت مرکزی و انتقال سریع اطلاعات به پایتخت منجر گشت؛ امری که می‌توان آن را دستاورد عهد ناصری برای لرستان دانست. در دوره فرمانروایی عبدالله‌میرزا حشمت‌الدوله، حاکم لرستان، خطوط تلگراف در آنجا آنقدر توسعه یافته بود که بخش عمده ارتباطات لرستان با ولایات دیگر و مرکز از طریق خطوط

ناصری. تصحیح محمداسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۷۹). روزنامه خاطرات. با مقدمه و فهارس ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.

افشار ارومی، حسنعلی‌خان (۱۳۸۲). سفرنامه لرستان و خوزستان. تصحیح و پژوهش حمیدرضا دالوند. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

الموتی، ضیال‌الدین (۱۳۷۰). فصولی از تاریخ مبارزات سیاسی و اجتماعی. تهران: تهران.

بختیاری، سردار ظفر (۱۳۶۲). یادداشت‌ها و خاطرات. تهران: یساولی.

بهرامی، روح‌الله (۱۳۸۸). والیان لرستان «تاریخ سیاسی ایلام و لرستان». تهران: حروفیه.

تلگرافچی، علی‌اصغرخان (۱۳۸۹). فرهنگ فرانسه - فارسی. به تصحیح و تحقیق سید غلامحسین حسینی و روح‌الله بهرامی، خرم‌آباد: شاپورخواست.

جغرافیای پیشکوه و پشتکوه (۱۳۷۰). به کوشش سکندر امان‌اللهی بهاروند. خرم‌آباد: اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی خرم‌آباد.

حائری، عبدالهادی (۱۳۸۰). نخستین رویارویی اندیشه‌گران ایرانی با دو رویه تمدن بورژوازی غرب. تهران: امیرکبیر.

روزنامه وقایع اتفاقیه، پنج‌شنبه دوم شعبان ۱۲۷۴. ش ۷۲. ص ۱.

سازمان اسناد ملی ایران (بی‌تا). فهرست اسناد علاءالدوله و حشمت‌الدوله. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

ستوده، سید یدالله (در دست انتشار). اسناد مستوفی لرستان. خرم‌آباد: شاپورخواست.

قراگوزلو، حاجی عبدالله‌خان (۱۳۸۲). مجموعه آثار. تصحیح و تعلیق عنایت‌الله مجیدی. تهران: میراث مکتوب.

تلگراف صورت می‌گرفت؛ چنان‌که در مجموعه فهرست اسناد حشمت‌الدوله، بخش عمده‌ای از این اسناد را تلگراف‌های حشمت‌الدوله تشکیل می‌دهد. یادداشت‌های تلگرافچی خرم‌آباد نیز حکایت از نقش مؤثر این ابزار نو، در تعیین مناسبات جدید میان حکومت مرکزی و حکام ایالات و ولایات دارد. این شبکه از طریق ایجاد پست‌های متعدد تلگراف‌خانه در مناطقی از بروجرد، رازان، خرم‌آباد، مظفریه و جایدر و با حضور رؤسای تلگراف‌خانه و تیم تشکیلاتی آنان در ارتباط گسترده با امراء و خوانین، رجال محلی، اخبار و آگاهی‌های محلی را در کوتاه‌ترین زمان ممکن در آن دوره در اختیار حکومت مرکزی قرار داد و از این طریق به بسط ید و اقتدار حکومت مرکزی و اشراف اطلاعاتی آنها بر مراکز مؤموریت شاهزادگان و مؤموران حکومتی قاجار کمک نمود. از این لحاظ تلگراف‌خانه از نظر تاریخ محلی لرستان در روزگار ناصرالدین شاه قاجار و تحولاتی که با تأسیس و توسعه مراکز تلگراف‌خانه در لرستان به وجود آمده بود، دارای اهمیت فراوانی بوده است؛ ابزار نوینی که نظارت و روابط حکومت مرکزی بر حکومت محلی و مناسبات و امنیت سیاسی ولایت لرستان را دچار دگرگونی نمود.

منابع

آرشیو وزارت امور خارجه. نسخه علی‌اصغرخان تلگرافچی. شماره نسخه خطی: ۶۲۸۵.

آرشیو کتابخانه مجلس شورای اسلامی. نسخه خطی: یادداشت‌های میرزا علی‌اصغرخان تلگرافچی. شماره نسخه خطی: ۱۵۹. شماره میکروفیلم ۵۷۹۰.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۷). تاریخ منتظم

محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۶). تاریخ مؤسسات تمدنی

جدید در ایران. تهران: دانشگاه تهران.

مسعود میرزا ظل‌السلطان (۱۳۶۲). تاریخ مسعودی. تهران:

یساولی.

ملک‌آراء، عباس میرزا (۱۳۶۲). شرح حال عباس میرزا

ملک‌آراء. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: بابک.

نجفی، موسی - جعفریان، رسول (۱۳۷۳). سده تحریم

تنباکو (رساله تاریخ دخانه). تهران: امیرکبیر.

والی‌زاده معجزی، محمدرضا (۱۳۸۲). لرستان در روزگار

پهلوی. تهران: انتشارات حروفیه.

والی‌زاده معجزی، محمدرضا (۱۳۸۰). تاریخ لرستان،

روزگار قاجار. به‌کوشش حسین و محمد والی‌زاده

معجزی. تهران: حروفیه.

ویلسون، آرنولد تالبوت (۱۳۹۴). سفرنامه ویلسون در

جنوب غربی ایران. ترجمه و حواشی علی‌محمد

ساکی. خرم‌آباد: شاپور خواست.

